

معرفی و بررسی کهن ترین نسخه شناخته شده رساله ذکریه

۲۰۵-۲۲۴

چکیده: رساله ذکریه یکی از آثار معروف میر سید علی همدانی ملقب به علی ثانی و شاه همدان، از عرفای نامدار قرن هشتم است که تاکنون چندین بار به صورت مستقل یا همراه با دیگر آثار همدانی به چاپ رسیده است. نگارندگان در خلال تصحیح زاد آخرت اثر ابو حامد محمد غزالی (۴۵۰-۵۰۵ ق.)، به نسخه‌ای از این اثر که در کتابخانه دانشگاه لیدن (شماره ۶۰ از مجموعه وارنر) نگه‌داری می‌شود، دست پیدا کرده‌اند. این دست‌نویس مجموعه‌ای است از چند اثر که مهم‌ترین آنها رساله ذکریه است، چرا که تاریخ کتابت این دست‌نویس سال ۸۱۱ ق. و بسیار نزدیک به دوره حیات میر سید علی همدانی (۷۱۴-۷۸۶ ق.) است. همچنین بر اساس فهرست‌ها، قدیمی‌ترین دست‌نویس کامل از این اثر به شمار می‌رود. از میان چاپ‌های مختلف این رساله، دو چاپ محمد ریاض و فریدون تقی‌زاده، مهم‌تر و منقح‌تر هستند که اولی در ضمن کتاب احوال و آثار و اشعار میر سید علی همدانی و شش رساله از وی و دومی به صورت مستقل به چاپ رسیده است. نگارندگان در این جستار ضمن معرفی کامل چاپ‌های قبلی، این نسخه را با هر دو این چاپ‌ها مقایسه کرده و اهمیت و ویژگی‌های نسخه لیدن را به‌ویژه در تصحیح رساله ذکریه نشان داده‌اند.

کلید واژه: رساله ذکریه، میر سید علی همدانی، تصحیح انتقادی، متن‌شناسی، نسخه‌های فارسی کتابخانه دانشگاه لیدن.

Introduction and review of the oldest known manuscript of Risaleh Zikryeh

Salman Saket, Malihe Gazi Mareshk

Abstract: *Risaleh Zikryeh* is one of the famous works of Mir Seyed Ali Hamedani who is known as Ali Sani and Shah-e Hamedan, one of the most popular mystics in eighth century. *Risaleh Zikryeh* has been published several times independently or in addition to other his works. Through edition of the *Zaad-e Akhirat*, the authors have found a manuscript belongs to the Leiden University Library (number 600 from the Warner collection), that consists of several works including *Risaleh Zikryeh* as the most important one. The date of this manuscript is 811 A.H. which is close to the time of Mir Seyed Ali Hamedani (714-786 A.H.). So, this manuscript is the oldest complete version of this work according to the different catalogues. Two most important corrections of *Risaleh Zikryeh* are edited by Mohammad Riaz and Fereydown Taghizadeh. The first one is published in *Life and Works of Mir Seyed Ali Hamedani* and the other one is published independently. The authors introduced earlier editions and also compared this manuscript with both mentioned editions and indicated the importance of the Leiden's manuscript, especially in the edition of the *Risaleh Zikryeh*.

Key words: *Risaleh Zikryeh*, Mir Seyed Ali Hamedani, critical edition, textology, Persian manuscripts of Leiden University Library.

استعراض ودراسة أقدم النسخ الخطية المعروفة من الرسالة الذكرية
سلمان ساكت
مليحة غزي مارشك

الخلاصة: الرسالة الذكرية هي أحد الآثار المعروفة لأحد العرفاء المشهورين في القرن الثامن، وهو المير السيد علي الهمداني المعروف باسم (علي الثاني) و (شاه همدان). وقد تمت طباعة هذه الرسالة حتى الآن عدّة مرّات إمّا بصورة مستقلة أو مع باقي آثار الهمداني الأخرى.

وكان كاتبها المقال الحالي خلال تصحيحهما لكتاب أبو حامد محمد الغزالي (٤٥٠. ٥٥٥ هـ) الموسوم بعنوان زاد الآخرة قد عثرا على نسخة من هذا الأثر موجودة في مكتبة جامعة ليدين (الرقم ٦٠٠ من مجموعة وارنر)، والتي هي عبارة عن مجموعة مخطوطة تشتمل على عدّة آثار أهمّها هي الرسالة الذكرية، حيث يعود تاريخ كتابتها إلى سنة ٨١١ هـ القريبة جداً من فترة حياة المير السيد علي الهمداني (٧١٤. ٧٨٦ هـ). ووفقاً لما تذكره فهراس النسخ الخطية فإنّ هذه النسخة هي أقدم المخطوطات الكاملة من هذا الأثر.

أما الطباعات العديدة من هذه الرسالة، فإنّ أهمّها وأفضلها هما طبعتا محمد رياض وفريدون تقي زادة، وقد جاءت الأولى منهما ضمن كتاب احوال و آثار و اشعار مير سيد علي همداني (= احوال و آثار و اشعار المير السيد علي الهمداني) مرفقةً مع ستة رسائل أخرى له، في حين كانت الثانية مطبوعةً بصورةً مستقلة.

وضمن تعريفهما المفضل للطبعات السابقة يقدّم الكاتبان في مقالهما الحالي مقارنةً بين هذه النسخة وكلّ من طبعتها المذكورتين، مشيرين من خلال ذلك إلى أهميّة ومميزات نسخة ليدين في سياق تصحيح الرسالة الذكرية.

المفردات الأساسية: الرسالة الذكرية، المير السيد علي الهمداني، التصحيح النقدي، النصوص، النسخ الفارسية في مكتبة جامعة ليدين.

مقدمه

امیرسیدعلی بن شهاب الدین بن میرسید محمد حسینی همدانی (م ۷۸۶ق) ملقب به امیرکبیر، علی ثانی و شاه همدان یکی از مشایخ بزرگ سلسله کبرویه و از بزرگان فتوت و نامداران ترویج اسلام در شبه قاره است. با اینکه او در همدان و در خانواده‌ای متمکن و متصل به حکومت زاده شد، راه عرفان و سلوک و خدمت به خلق را در پیش گرفت و به منظور وعظ و تبلیغ به نقاط مختلف جهان اسلام سفر کرد. سفرهای او به ویژه به کشمیر اهمیت فراوانی دارد؛ چراکه ورود او به این سرزمین در دوره‌ای بود که او در سلسله کبرویه به خلافت رسیده بود و به عنوان مبلغ، شریعت و طریقت را ترویج می‌کرد. این امر علاوه بر عوامل دیگر تاریخی در پیشبرد اهداف او مؤثر بود و سبب شد که مورد توجه و احترام پادشاهان کشمیر قرار گیرد. او با وجود مسافرت‌های متمادی و فعالیت‌های متعدد مانند وعظ و تبلیغ دین و ارشاد مریدان و کوشش در راه کسب روزی حلال، آثار متعدد و ارزنده‌ای را به فارسی و عربی از خود به یادگار گذاشته است که هر چند شماری از سرگذشت نویسان، تعداد کتب و رسائل او را صد و هفتاد عنوان نوشته‌اند، ظاهراً آنتساب این تعداد نوشته به او اغراق آمیز است. با این همه مجموع آثار منشور همدانی اعم از چاپی و خطی، بالغ بر صد و ده کتاب و رساله است که شاید شناخته شده ترین آنها ذخیره الملوک باشد. جالب آنکه بعضی از کتب و رسائل او در هند و پاکستان در زمره کتاب‌های درسی بوده و رساله او را در فتحیه او هنوز هم در کشمیر از متداول ترین کتب اوراد و وظایف به شمار می‌رود.^۱ بعضی از آثار او از عربی به فارسی و برخی از عربی یا فارسی به زبان‌های دیگر ترجمه شده و برخی نیز شرح داده شده است. آثار و رسالات فراوان او همگی گواه بر احاطه او به معارف اسلامی و عرفانی است.^۲

دست‌نویس‌های آثار همدانی در کتابخانه‌های سراسر دنیا پراکنده است و از برخی از آنها نسخه‌های متعددی وجود دارد که علاقه وافر مردم به او و شهرت آثارش را نشان می‌دهد. یکی از این نسخ، دست‌نویس شماره ۶۰۰ از مجموعه وارنر در کتابخانه دانشگاه لیدن است که چون تا کنون صورت دیجیتالی آن فراهم نشده، دستیابی به آن دشوار بوده است. از این رو به صورت دقیق و کامل بررسی نشده و در نتیجه گزارش کامل و جامعی نیز از آن ارائه و منتشر نشده است. نگارندگان در جریان تصحیح زاد آخرت، اثر ابوحامد محمد غزالی (م ۵۰۵ق) این نسخه را شناسایی کرده و پس از دستیابی به آن و بررسی دقیق، به اهمیت این نسخه به ویژه رساله ذکریه در آن پی بردند و تصمیم گرفتند نسخه را معرفی کنند و با مقایسه و مقابله آن با چاپ‌های قبلی، اهمیت و ویژگی‌های نسخه لیدن را نشان دهند.^۳

۱. گفته شده پدرش حاکم همدان یا معاون حاکم یا صاحب مرتبه‌ای بلند بوده است. (ریاض، محمد، احوال و آثار و اشعار میرسیدعلی همدانی (باشش رساله از وی)، ص ۸)

۲. ریاض، محمد، احوال و آثار و اشعار میرسیدعلی همدانی (باشش رساله از وی)، ص ۹۴.

۳. برای اطلاعات بیشتر درباره زندگی و آثار همدانی رک به: ریاض، محمد؛ شرح احوال و آثار میرسیدعلی همدانی، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۷۰ و انواری، محمود، «میرسیدعلی همدانی و تحلیل آثار او»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، ش ۱۲۳، پاییز ۱۳۵۶.

۴. همچنین بنگرید به مقاله «معرفی، بررسی و تحلیل نسخه شماره ۶۰۰ از مجموعه وارنر در کتابخانه دانشگاه لیدن»، نوشته: سلمان

رساله ذکریه یکی از آثار مهم همدانی است که درباره احوال و کیفیات و فواید اذکار و اوارد به طریق صوفیه کبرویه تألیف شده است. این رساله سرشار از آیات و احادیث است و به اشعار متصوفه زینت یافته است. این اثر نمونه‌ای است از نثر فنی که روش مرزبان‌نامه و تاریخ جهانگشای جوینی را تداعی می‌کند. جالب آنکه با وجود سبک مصنوع و متکلف رساله، مؤلف امثال و حکایات کوچک را نسبتاً به زبان ساده و روان آورده است. همدانی در این رساله آداب و مراسم مخصوص مانند آداب خلوت و عزلت، آداب طهارت و وضو و اوقات و طرق گزاردن اوارد و... را برای سالکان راه تصوف شرح داده است. همچنین درباره معانی حقیقی طهارت و عزلت و توبه و توکل که اینها را ارکان چهارگانه سلوک نامیده، توضیحاتی ارائه کرده است.^۵

این کتاب برای آن دسته از محققانی که می‌خواهند از مفهوم و گستره ذکر در طریقه کبرویه آگاهی یابند، متنی مهم و درخور توجه است.^۶ ذکر یکی از ارکان سلوک اهل عرفان است و عارف بی ذکر و خلوت هرگز به جایی نمی‌رسد. از این روست که اهل تدبر و دلبستگان صوفیه از این مهم به سادگی گذر نکرده و با جدیت به شرح و توضیح آن اهتمام داشته‌اند. وجود ده‌ها رساله و کتاب در این باره از صوفیان و عرفای بزرگ نشان از اهمیت این موضوع دارد. حقیقت ذکر که ارتباط داشتن با خدا در نمان و عیان است، فلسفه اساسی دین به شمار می‌رود، به گونه‌ای که همه امور دین برای برقراری ارتباط میان انسان و خداست. همدانی در رساله ذکریه به این مقوله پرداخته و از میان اذکار برای «لا اله الا الله» اهمیت ویژه‌ای قائل شده است. همچنین درباره ترجیح ذکر خفی بر ذکر جلی با استناد به آیات و روایات و دلایل عقلی مطالب مهمی بیان کرده است.

دست‌نویس لیدن

در نسخه لیدن غیر از رساله ذکریه بخش‌های کوتاهی از ذخیره الملوک میرسید علی همدانی و بخشی از زاد آخرت اثر ابو حامد محمد غزالی نیز کتابت شده است. نسخه دارای ۴۷ برگ است و تاریخ کتابت آن در پایان برگ ۳۱، آشکارا ۸۱۱ ق نوشته شده است، در حالی که تاریخ کتابت آن در گزارشی که استاد دانش پژوه^۷ درباره برخی از نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه دانشگاه لیدن در دفتردهم نشریه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به چاپ رسانده، به اشتهاب ۸۲۱ ق ذکر شده است. غیر از گزارش مرحوم دانش پژوه، اطلاعات مربوط به این دست‌نویس را می‌توان در جدیدترین ویرایش فهرست‌های کتابخانه دانشگاه لیدن که توسط یان یوست ویتکام در سال ۲۰۰۷ منتشر شده و در سایت دست‌نوشته‌های اسلامی (WWW.ISLAMICMANUSCRIPTS.INFO) موجود است

ساکت، ملیحه گزی که در نشریه جستارهای نوین ادبی (ش ۶۹۱) منتشر شده است.

۵. ریاض، محمد، احوال و آثار و اشعار میرسید علی همدانی (با شش رساله از وی)، ص ۱۱۷-۱۱۸.

۶. محمود انواری (۱۳۵۶: ۳۲۶-۳۲۸) در مقاله خود با نام «میرسید علی همدانی و تحلیل آثار او»، خلاصه‌ای از مطالب این رساله را آورده است.

۷. دانش پژوه، محمدتقی، «فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشگاه لیدن»، نشریه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱۰، ۲۳۵ به بعد.

ملاحظه کرد.^۸ در این فهرست، فهرست نویس بخش ابتدایی رساله ذکریه را تشخیص نداده و درباره آن نوشته است: «تنها بخش ابتدایی یک کتاب حاوی مطالب عرفانی که عنوان و نام نویسنده ندارد» و برگ های ۳۵، ۲۹ و ۳۰ را بخش پایانی رساله ذکریه دانسته است.^۹

طبق بررسی نگارندگان رساله ذکریه در این دست نویس از ظهر برگ دوم با ذکر «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز می شود. در صفحات ابتدایی نامی از نویسنده یا عنوان رساله وجود ندارد. از این رو ویتکام رساله نخست را متنی بدون عنوان و بدون نام نویسنده معرفی کرده است. احتمالاً به همین دلیل است که این نسخه از رساله ذکریه با چنین قدمت و تاریخ کتابت قابل توجهی تا کنون نظر پژوهشگران را به خود جلب نکرده است. جالب آنکه ریاض در صفحه ۹۸ کتاب خود و به هنگام معرفی اثر دیگر همدانی به نام ذخیره الملوك که بخش هایی از آن در نسخه لیدن آمده است، به این دست نویس اشاره کرده، اما در معرفی نسخه های رساله ذکریه نامی از این نسخه نیاورده است.

آغاز رساله در این دست نویس چنین است:

حمد و سپاس پروردگاری را که حقایق ائمار ارواح و حدائق اشجار اشباح انسی بکمال رسانید ... اما بعد بدان ای عزیز که ایزد تعالی چون خواست که اظهار قدرت بی غایت و آثار احضار حکمت بی نهایت کند، به مقتضای جود نفوس وجود انسانی که از ظلمت آباد نابود لم یکن شیئاً مذکوراً به صحرای وجود آورد و برگذراگه عالم ارواح که برزخ وجود و عدمست ...

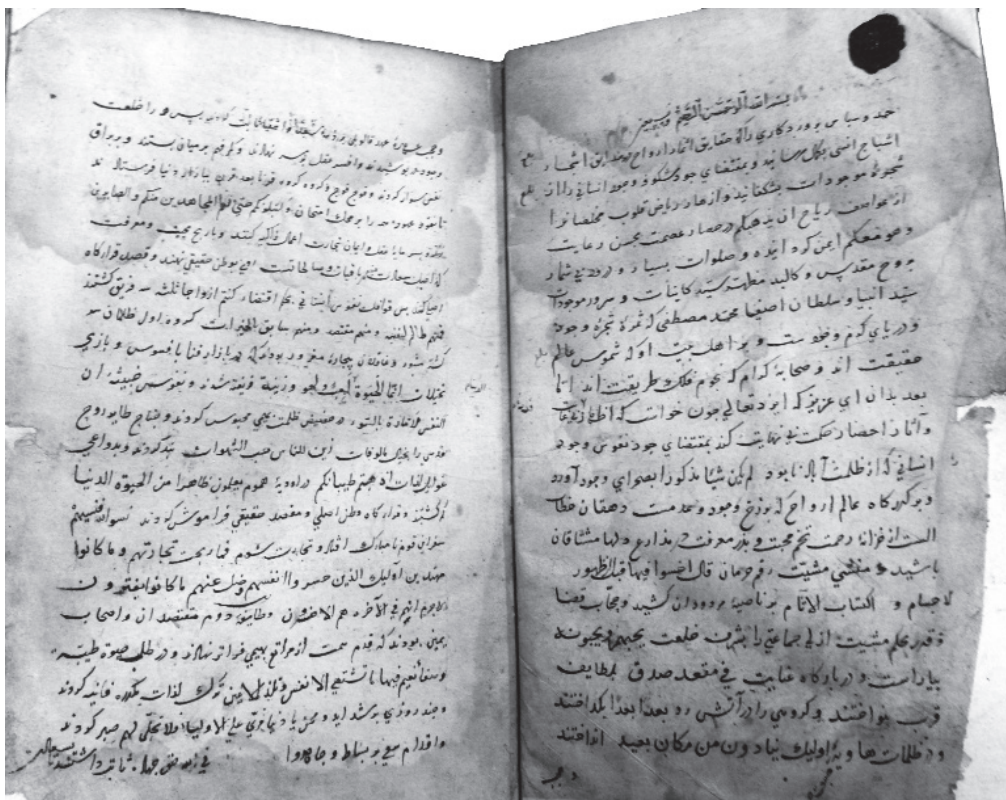
این متن تا پایان برگ هفتم نسخه بدون افتادگی و با ثبت تمامی رکابها ادامه می یابد، اما ناتمام باقی می ماند و با: «... ای عزیز بدان که سالکان راه طریقت بر اقسام اند و هر قسمی را در مطالعه انوار توحید مقامی و اهل هر مقامی را مشربى از اشارت ربانی و حظ هر مقامی را آیاتی از آیات مجید چون صبح» پایان می یابد. ادامه رساله ذکریه که در ظهر برگ ۷ رها شده بود، با حدود یک برگ افتادگی به ترتیب در برگ های ۳۶، ۳۰ و ۳۱ می آید. ادامه رساله روی برگ ۳۶ با: «فرمود که کل حسنة يعلمها الرجل توازن يوم القيامة الا شهادة لا اله الا الله فانها لا توضع فى الميزان ...» آغاز و در پشت برگ ۳۱ با: «... تمت رساله ذکریه سلاله نبوی قره العین المصطفوی افتخار آل یس خلاصة الماء و الطین العارف اسرار الصمدانی امیر سید علی الهمدانی فغمده الله بالرحمة و الرضوان و اسکنه محمود الجنان فی العاشر رجب المرجب عمت یمنه سنه احدی عشر ثمانمائه» به پایان می رسد.

این رساله تا کنون چندین بار تصحیح شده و نشر یافته است. از جمله دکتر محمد ریاض در کتاب

۸. قاسملو، فرید، «در باره بعضی نسخه های خطی شرقی کتابخانه دانشگاه لیدن، هلند»، مزدک نامه، ج ۵، ص ۱۹.

9. Jan Just Witkam. (2007). *Inventory of the ORIENTAL MANUSCRIPTS OF THE LIBRARY OF THE UNIVERSITY OF LEIDEN*. 1/252.

در هر دو فهرست برگ نخست دست نویس در شمارش به حساب نیامده است و از این رو در تعداد و شماره برگ های گزارش شده با آنچه نگارندگان در این جستار آورده اند، اختلافاتی وجود دارد.



تقصا، مکین نیست از آنک جای نفس خود را اگر در قضا با نیت
صرف کنی حق این نفس ضایع کرده باشی و الفقیه این الوقت
اشارت بدین معنی است باید که از هر منفعتی که با دست و پا از
سرمایه ایام بیض و شب آید نماز تسبیح در وقت تمجید و در روز
سبعی از قرآن باید که بر خواند و در وقت طلوع و غروب آفتاب
در حالت خلوت روی بقبله آرد و ذکر ضعیف قوی فرموده و در طهارت
صوم تعجیل افطار کند بآب میان مغرب و عشاء بنده که احیاناً
که شایخ بداند که روز افطار کردن و این ساعت احیاناً
فاصله از روز و داشتن و این وقت بخوردن مشغول شدن
اگر روز صوم غزیری التماس افطار کند منع کند که شایسته است
مکونیت نذر کرده بود یا قضا در صبح و شام این دعا که در وقت از
حضرت خضر علیه السلام می خواند اللهم انی اشهدک و اشهد ملائکت
و انبیاءک و رسلاک و جمیع خلقک بانک انت الله لا اله الا انت
الملك القدوس المومن العزیز الجبار المتکبر وان محمدا
عبدک و رسولک اللهم انی اشهدک انی اشهدک انی اشهدک انی اشهدک
و عذرة و عافية من کل بلیة صودیة و معنویة و ان توفیق منو فنی
الیک مسلما غیر معنون و الحق بالصالحین برحمتک یا ام الامم
عن رسال ذکره سلال نبوی قره العین المصطفوی افتخار آل بی
خلاصه الماء و الطین العارف اسرار الصدا فی اجرب علی
الحمد فی عهد الله بالرحمة و الرضوان و اسکنه محمو الجنان
فی العاشة بصلیة عن سیدنا محمد و آله

خود با نام احوال و آثار و اشعار میرسیدعلی همدانی با شش رساله از وی، رساله ذکریه را تصحیح و در سال ۱۳۶۴ ش برای نخستین بار به صورت انتقادی منتشر کرده است. ریاض درباره چاپ‌های قبلی این اثر می‌گوید که پیش از این رساله ذکریه دو بار به ضمیمه و در حواشی کتب دیگر چاپ شده است: «نخست در حواشی جلد اول فصل الخطاب بوصل الأحباب تألیف خواجه ابوالفتح محمد پارسا که در تاشکند به چاپ رسیده است و بار دیگر به ضمیمه تذکره شیخ کججی به اهتمام مولانا نجم‌الدین طارمی». در فهرست کتاب‌های چاپی فارسی نیز به چاپ ضمیمه تذکره کججی اشاره و گفته شده که این چاپ یک بار در سال ۱۳۲۶ ش در تهران و بار دیگر در ۱۳۲۷ ش در شیراز بوده است. «انواری» نیز به چاپ‌های قبلی این اثر اشاره و غیر از چاپ ضمیمه کججی از چاپی در هند هم یاد کرده است که با چهل اسرار و اسرار النقطه در یک مجلد منتشر شده است. همچنین می‌گوید که حافظ حسین کربلایی تبریزی نیز از این رساله نام برده و یکی دو ورق از آن را در روضات الجنان منتشر کرده است.

غیر از اینها طبق بررسی نگارندگان، این رساله بعد از چاپ ریاض دو بار دیگر نیز نشر یافته است: یک بار در سال ۱۳۷۰ به کوشش فریدون تقی‌زاده توسی در موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی وزارت آموزش عالی و بار دیگر در سال ۱۳۷۸ به اهتمام کاظم محمدی در انتشارات نجم کبری. در چاپ کاظم محمدی، نه نسخه‌ای معرفی شده و نه روش کار توضیح داده شده است. در نتیجه نمی‌توان آن را تصحیحی انتقادی به شمار آورد. نگارندگان با بررسی چاپ‌های ریاض و تقی‌زاده توسی دریافتند که میان نسخ مورد استفاده در این دو چاپ، نسخه‌ای کهن‌تر از دست‌نویس لیدن وجود ندارد.

فریدون تقی‌زاده^{۱۳} در مقدمه چاپ خود، نسخ مورد استفاده‌اش را برشمرده و گفته است:

تا آنجا که اطلاع دارم رساله ذکریه با این کیفیت به طور مستقل در ایران به چاپ نرسیده است و می‌تواند در آینده در مجموعه‌ای مستند که بردارنده دیگر رسالات این عارف بزرگوار باشد جای گیرد.

فهرست نسخه‌های مورد استفاده تقی‌زاده به شرح زیر است:

- فیلم شماره ۷۷۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران که اصل آن در کتابخانه ملی پاریس است.

- نسخه‌ای در کتابخانه ملی که به همراه رساله واردات اوست.

- فیلم شماره ۳۸۷ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران که اصل آن در ایاصوفیه است. رساله ذکریه با عنوان الانسان الکامل در این مجموعه آمده و اساس کار مصحح نیز همین نسخه بوده است.

- مجموعه‌ای متعلق به کتابخانه گنج‌بخش پاکستان، مورخ قرن دهم که مورد استفاده محمد ریاض

۱۰. مشار، خان بابا، فهرست کتاب‌های چاپی فارسی، ج ۲، ص ۲۴۰۶.

۱۱. انواری، محمود، «میرسیدعلی همدانی و تحلیل آثار او»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، ص ۳۲۸.

۱۲. روضات الجنان، ج ۲، ص ۳۰۱-۳۰۳.

۱۳. همدانی، علی بن شهاب‌الدین، رساله ذکریه، تصحیح فریدون تقی‌زاده توسی، ص ۲.

نیز بوده است.^{۱۴}

همچنین تقی زاده به نسخه محفوظ در کتابخانه آستان قدس به شماره ۲۰۳۰ که فیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران وجود دارد، اشاره و اظهار کرده که چون لازم ندیده از آن استفاده نکرده است. غیر از مشخصات ناقص بالا مطلب دیگری درباره نسخ استفاده شده در مقدمه این چاپ نیامده است. بنابراین خواننده از تاریخ کتابت این دست نویس ها آگاهی نمی یابد. حال آنکه بر اساس فهرست ها، نسخه های اول و سومی که تقی زاده استفاده کرده است تاریخ کتابت ندارند^{۱۵} و نسخه دوم او در ضمن مجموعه ای از قرن دهم آمده است.^{۱۶} بنابراین هیچ یک از نسخ مورد استفاده تقی زاده از نسخه لیدن کهن تر نیستند.

ریاض نسخه گنج بخش (مورخ قرن دهم) را قدیمی ترین نسخه شناخته شده از این اثر دانسته و از این رو استفاده از این نسخه را برای تصحیح خود بسیار مهم قلمداد کرده است. او نسخه های خطی این رساله را که تا آن زمان شناسایی شده بودند، بدین صورت معرفی کرده است:

نسخ خطی: ۳۹۱۵ کتابخانه مرکزی، ۳۸۷۴ (تاجیکستان) ۲۳۳۱ و ۲۳۳۲ (فرهنگستان تاشکند: فهرست جلد ۳)؛ نسخ عکسی: شماره ۷۰۹، ۱۶۶۶ (کتابخانه مرکزی دانشگاه) همین طور عکسی که از فیلم شماره ۲۰۳۰ (از نسخه آستان قدس رضوی مشهد) گرفته شده (و با نام «رساله در سلوک») اصلاً قسمتی از همین رساله «ذکریه» است که جداگانه نوشته شده است (کتابخانه مرکزی).^{۱۷}

ریاض درباره متن رساله ذکریه که در کتاب خود منتشر کرده است می نویسد که رساله ذکریه را بر اساس نسخه کتابخانه گنج بخش (مورخ قرن دهم) و با در نظر داشتن چاپ تاشکند (در حاشیه جلد اول فصل الخطاب بوصل الأحباب) تصحیح کرده است. او در توضیح روش تصحیح خود می گوید: این چاپ از روی نسخه مورخ قرن ده در کتابخانه گنج بخش انجام شده، اما با این همه در مواردی (و البته نه خیلی زیاد) که احتمال قوی می رفت نسخه مزبور نیز دستخوش تصرف و غلط کاری کاتب شده باشد، ضبط یکی از دو نسخه چاپی (چاپ تاشکند در حاشیه فصل الخطاب) را برگزیدیم و هر آنچه راهم از آنجا گرفته بودیم در میان دو قالب نهادیم. (همان: ۵۲۳)

بنابراین می توان نتیجه گرفت که تصحیح ریاض هم چندان علمی نیست و بدون مقابله همه نسخه خطی شناسایی شده با یکدیگر صورت گرفته است. در متن منتشر شده هم هیچ نسخه بدلی دیده نمی شود.

۱۴. ریاض این نسخه را قدیمی ترین نسخه رساله «ذکریه» دانسته است. (همدانی، علی بن شهاب الدین، رساله ذکریه، تصحیح فریدون تقی زاده طوسی، ص ۲)

۱۵. درایتی، مصطفی، فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنا)، ص ۳۱ و ۱۶۱.

۱۶. انوار، سید عبدالله، فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ایران، ج ۲، ص ۳۴۹.

۱۷. ریاض، محمد، احوال و آثار و اشعار میر سید علی همدانی (باشش رساله از وی)، ص ۱۱۷.

امروز تعداد زیادی از دست نویس های این اثر شناخته شده است. دست کم در ایران ۲۷ نسخه از این رساله شناسایی شده که کهن ترین آنها نسخه شماره ۸۲۵۳/۶ کتابخانه مرعشی در قم است و در سال ۸۶۸ ق، یعنی حدود صدسال پس از درگذشت همدانی کتابت شده است و از پایان افتادگی دارد. در ادامه فهرستی از دست نویس های این اثر را که تا پایان قرن دهم نوشته شده اند، به ترتیب تاریخ کتابت می آوریم و از ذکر نسخه های بدون تاریخ یا نسخه های با افتادگی های زیاد خودداری می کنیم: ۱. نسخه شماره ۸۲۵۳/۶ کتابخانه مرعشی در قم که به خط نستعلیق توسط علی بن فخرالدین بن علی حسینی سبزواری خراسانی در ۲۵ برگ (۹۴ پ. ۱۱۸ پ) در اواسط ذی قعدة ۸۶۸ ق کتابت شده است و از انجام افتادگی دارد.^{۱۸}

۲. نسخه شماره ۴۲۵۰/۱۵ متعلق به کتابخانه ملک که به خط نستعلیق کهن در ۷ صفر ۹۰۷ ق کتابت شده و ۱۲ برگ است (۳۱۹ پ. ۳۳۰ ج).^{۱۹}

۳. نسخه شماره ۳۶۱/۵ کتابخانه مدرسه سلطانی کاشان که کامل است و در تاریخ ۲ شوال ۹۴۰ ق در ۲۰ برگ کتابت شده است.^{۲۰}

۴. نسخه شماره ۷۲۷/۲۸ ف کتابخانه ملی که به خط شکسته نستعلیق در قرن دهم و در ۱۶ صفحه (ص ۳۸۸ - ۴۰۳) کتابت شده است.^{۲۱}

۵. نسخه شماره ۲۶۷/۲ کتابخانه عارف حکمت در مدینه که به خط نستعلیق در سده دهم در هامش نزهة الارواح کتابت شده است.^{۲۲}

۶. نسخه شماره ۷۹۳۷ کتابخانه گنج بخش در اسلام آباد که به خط نستعلیق خوش در سده ۱۰ در ضمن مجموعه ای از صفحه ۶۲ تا ۸۴ کتابت شده است. نسخه عنوان ندارد و نام نگارنده به خامه دیگر نوشته شده است.^{۲۳}

با توجه به فهرست فوق، رساله ذکریه در نسخه لیدن در سال ۸۱۱ ق، یعنی حدود ۲۵ سال پس از درگذشت همدانی کتابت شده است و چون تقریباً کامل است^{۲۴} اهمیت بسزایی دارد. بنابراین برای معرفی متن رساله ذکریه در دست نویس لیدن این نسخه را با هر دو چاپ ریاض و تقی زاده به طور کامل مقابله و اختلافات مهم را به طور دقیق در جداولی که در ادامه می آید ثبت کرده ایم. گفتنی است که در اکثر قریب به اتفاق موارد، ضبط نسخه لیدن با آنچه ریاض میان دو قلاب نهاده^{۲۵} همخوان است.

۱۸. درایتی، مصطفی، فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنا)، ج ۱۶، ص ۱۶۰.

۱۹. منزوی، احمد، فهرست نسخه های خطی فارسی، ج ۲ (۱)، ص ۱۱۵۲.

۲۰. درایتی، مصطفی، فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنا)، ج ۱۶، ص ۱۶۰.

۲۱. همان.

۲۲. منزوی، احمد، فهرست نسخه های خطی فارسی، ج ۲ (۱)، ص ۱۱۵۲.

۲۳. منزوی، احمد، فهرست نسخه های خطی کتابخانه گنج بخش، ج ۲، ص ۶۲۰.

۲۴. رساله ذکریه در نسخه لیدن با توجه به نسخه چاپی ریاض تنها یک برگ افتادگی دارد.

۲۵. پیش تر گفتیم که ریاض هر جا نسخه گنج بخش ناخوانا یا نادرست بوده، از چاپ تاشکنند بهره برده است.

در جدول زیر ضبط های خاص و درخور توجه از نظر نحو و واژه ها آمده است:

نسخه لیدن	چاپ ریاض	چاپ تقی زاده
از عواصف ریاح این یشاء یذهبکم در حصار عصمت به حسن رعایت و هو معکم ایمن گردانیده [ص ۲ پ]	از عواصف ریاح این یشاء یذهبکم در حصار کرم عصمت به حسن رعایت و هو معکم ایمن گردانید [ص ۵۲۷، س ۳]	از عواصف ریاح این یشاء یذهبکم در حصار عصمت به حسن رعایت و هو معکم ایمن گردانید [ص ۹، س ۳]
صلوات بی شمار به روح مقدس و کالبد مطهر سید کاینات ... و بر اهل بیت او که شמוש عالم حقیقت اند و صحابه کرام که نجوم فلک طریقت اند [ص ۲ پ]	صلوات بی شمار بر روح مقدس و کالبد مطهر سید کاینات ... و بر اهل بیت او که شמוש حقیقت اند و صحابه کرام او که نجوم طریقت اند [ص ۵۲۷، س ۴]	صلوات بسیار و درود بی شمار به روح مقدس و کالبد مطهر سید کاینات ... و بر اهل بیت او که شמוש عالم حقیقت اند و صحابه کرام او که نجوم فلک طریقت اند [ص ۹، س ۴]
دهقان خطاب الست از خزانه رحمت تخم محبت و بذر معرفت در مزارع دل های مشتاقان پاشید [ص ۲ پ]	دهقان الست از خزانه رحمت تخم محبت و بذر معرفت در مزارع دل های مشتاقان پاشید [ص ۵۲۷، س ۱۱]	دهقان خطاب الست از خزانه رحمت تخم محبت در مزارع دل های مشتاقان پاشید [ص ۹، س ۱۲]
و حجاب قضا و قدر بحکم مشیت ازلی جماعتی را بشرف خلعت یحبهم و یحبتونه بیاراستند ... و گروهی را در آتش ردّ بعدا بعدا بگذاختند [ص ۲ پ]	و حجاب قضا و قدر بحکم اراده ازلی جماعتی را بشرف خلعت یحبهم و یحبتونه بیاراستند ... و گروهی را به آتش ردّ بعدا بعدا بگذاختند [ص ۵۲۸، س ۱]	و حجاب قضا و قدر به حکم مشیت ازلی جماعتی را به شرف خلعت یحبهم و یحبتونه بیاراستند ... و گروهی را به آتش ردّ بعدا بعدا بگذاختند [ص ۹، س ۱۴]
تا نقود عهد همه را بر محک امتحان و لنبلو تکم حتی نعلم المجاهدین منکم و الصابرين زنده و به سرمایه عقل و ایمان تجارت اعمال زاکیه کنند [ص ۳ ر]	تا نقود عهد همه را بر محک و لنبلو تکم حتی نعلم المجاهدین منکم و الصابرين زنده و به سرمایه حیات و ایمان تجارت اعمال زاکیه کنند [ص ۵۲۸، س ۸]	تا نقود عهد همه را بر محک و لنبلو تکم حتی نعلم المجاهدین منکم و الصابرين زنده و به سرمایه عقل و ایمان تجارت اعمال زاکیه کنند [ص ۱۰، س ۵]
پس قوافل نفوس انسانی بحکم اقتضاء کنتم ازواجاً ثلثه سه فریق گشتند [ص ۳ ر]	پس قوافل نفوس به اقتضای کنتم ازواجاً ثلثه سه فریق گشتند [ص ۵۲۸، س ۱۱]	پس قوافل نفوس به اقتضای و کنتم ازواجاً ثلثه سه فریق گشتند [ص ۱۰، س ۹]
... و از حقیقت لذت او محروم بود و تا هوای فضای ساحت صدر که سلطان قلب و محل تدبیر اوست ... پاک نشود [ص ۳ پ]	... و از حقیقت لذت آن محروم بود و تا هوای فضای ساحت صدر که میدان جولان سلطان قلب و محل تدبیر اوست ... پاک نشود [ص ۵۲۹، س ۱۶]	... و از حقیقت لذت آن محروم بود و تا هوای فضای ساحت صدر که میدان جولان سلطان قلب و محل تدبیر اوست ... پاک نشود [ص ۱۱، س ۱۰]

نسخه لیدن	چاپ ریاض	چاپ تقی زاده
اگر بنده‌ای چندان نماز کند که اهل آسمان و زمین و چندان روزه دارد که اهل آسمان و زمین و بساط ماکولات و مشتهیات درنوردد و هیچ نخورد همچون فریشتگان ... ما که خداوندیم نظر بر باطن وی گماریم [ص ۴ ر]	اگر بنده چندان نماز گذارد که اهل آسمان و زمین و چندان روزه دارد که اهل آسمان و زمین و بساط مشتهیات و ماکولات درنوردد و هیچ نخورد چون فرشتگان ... ما که خداوندیم نظر بر باطن او گماریم [ص ۵۳۰، س ۷]	اگر بنده‌ای چندان نماز گزارد که اهل آسمان و زمین و چندان روزه دارد که اهل آسمان و زمین و بساط ماکولات و مشتهیات درنوردد و هیچ نخورد چون فرشتگان ... ما که خداوندیم نظر بر باطن وی گماریم [ص ۱۱، س ۱۸]
و کام جان وی را از لذت قطرات شراب الفت که از سحاب کرم ... در وقت صباح راز و نیاز می‌باریم محروم گردانیم [ص ۴ ر]	و کام جان وی را از لذت قطرات شراب الفت که از سحاب کرم ... در وقت راز و نیاز می‌باریم محروم گردانیم [ص ۵۳۰، س ۱۴]	و کام جان وی را از لذت قطرات شراب الفت که از سحاب کرم ... در وقت راز و نیاز می‌باریم محروم گردانیم [ص ۱۲، س ۴]
پس هر طالب که در طلب مطلوب اعلا و اضطراب تعطش بزلال جمال مولی دامن همت خود بدان بیالاید شایسته بساط قربت جناب حضرت کبریا نباشد [ص ۴ پ]	پس هر طالب مطلوب اعلا و مضطرب اضطراب تعطش بزلال جمال مولا که دامن همت خود را بدان نیالاید شایسته بساط قربت جناب حضرت کبریا شاید [ص ۵۳۰، س ۲۰]	پس هر طالب که در طلب مطلوب اعلا و اضطراب تعطش به زلال جمال مولا دامن همت خود را بدان نیالاید شایسته بساط قربت جناب حضرت کبریا نشاید [ص ۱۲، س ۹]
توتا آویزشی داری به موئی / نیایی بوی او از هیچ سوئی [ص ۴ پ]	توتا آویزشی داری به موئی / نیایی بوی او از هیچ سوئی [ص ۵۳۱، س ۱]	[مطابق نسخه لیدن است / ص ۱۲، س ۱۳]
عارفی روزی براهی میگذشت / واله و مدهوش چون میخوارگان [ص ۵ ر]	عارفی روزی براهی میگذشت / واله و مدهوش چون غمخوارگان [ص ۵۳۱، س ۱۵]	عارفی روزی براهی میگذشت / واله و مدهوش چون غمخوارگان [ص ۱۳، س ۱۰]
ای عزیز دنیا با همه نعمت آن رنگ و بویی بیش نیست [ص ۵ ر]	ای عزیز دنیا با آن همه نعمت رنگ و بویی بیش نیست [ص ۵۳۱، س ۱۸]	[مطابق نسخه لیدن / ص ۱۳، س ۱۵]
بلکه قواعد ارکان بساط طریقت و مدارج اوطان سده حقیقت مبنی بر علوی (ی بدل از کسره) همت است [ص ۵ ر]	قواعد و ارکان بساط طریقت و مدارج اوطان سده حقیقت مبنی بر علو همت است [ص ۵۳۱، س ۲۰]	قواعد و ارکان بساط طریقت و مدارج اوطان زبده حقیقت مبنی بر علو همت است [ص ۱۳، س ۱۸]
و مستحق مشاهده جمال حق گشت اگر آن سبب خوردن یا شهوت یا غضب بود ... اگر این خاصیت انسان را بدان نسبت دهند حقیر نماید [ص ۵ ر]	و مستحق مشاهده جمال حضرت صمدیت گشت اگر آن به سبب خوردن یا شهوت یا غضب بود ... اگر این خاصیت انسان را با آن نسبت دهند بس حقیر نماید [ص ۵۳۱، س ۲۲]	و مستحق مشاهده جمال حضرت صمدیت گشت. اگر آن به سبب خوردن یا شهوت یا غضب بود ... اگر این خاصیت انسان را به آن نسبت دهند بس حقیر باشد [ص ۱۳، س ۱۹]

نسخه لیدن	چاپ ریاض	چاپ تقی زاده
مرا از افسردگی ایشان عجب آمد و هم ایشان را از گرمی من عجب آمد پرسیدم که کیستید... گفتند ما فریشتگانیم... ایشان از من پرسیدند... [ص ۵ پ]	مرا از افسردگی ایشان و ایشان را از گرمی من عجب آمد پرسیدم که شما کیستید... گفتند ما فرشتگانیم... از من پرسیدند... [ص ۵۳۲، س ۱۵]	مرا از افسردگی ایشان عجب آمد و هم ایشان را از گرمی من عجب آمد. پرسیدم که شما کیستید... گفتند ما فرشتگانیم... از من پرسیدند... [ص ۱۴، س ۱۳]
حقیقت انوار آتش عشق جز در باطن طاهر ظاهر نشود [ص ۵ پ]	حقیقت آتش عشق جز در باطن طاهر ظاهر نشود [ص ۵۳۲، س ۲۰]	حقیقت آتش عشق جز در باطن طاهر ظاهر نشود [ص ۱۴، س ۱۸]
در این معنی وقتی صادق باشی که که در راه دوستی بر عداوت دنیا ثابت باشی [ص ۵ پ]	در این معنی وقتی صادق باشی که در راه دوستی [ما] بر عداوت دنیا [ثابت] قدم [باشی] [ص ۵۳۳، س ۳]	در این معنی وقتی صادق باشی که که در راه دوستی بر عداوت دنیا ثابت قدم باشی [ص ۱۴، س ۲۳]
و مرکب ضعیف ایشان بار هم دنیا و محنت خلاق جهان برنتابد [ص ۵ پ]	و مرکب ضعیف [ایشان] بار هم دنیا و محبت خلاق جهان برنتابد [ص ۵۳۳، س ۵]	و مرکب ضعیف ایشان بار هم دنیا و محبت خلاق جهان برنتابد [ص ۱۴، س ۲۵]
جان های مستعدان قبول فیض ربانی را... از ظلمات تیه غفلت سوی مراقی بساط قرب می کشد [ص ۵ پ]	جان های مستعدان قبول فیض ربانی را... از ظلمات تیه غفلت سوی مراقی بساط [قربت] می کشد [ص ۵۳۳، س ۹]	جان های مستعدان قبول فیض ربانی را... از ظلمات تیه غفلت سوی مراقی بساط قربت می کشد [ص ۱۵، س ۳]
اول قدم ارادت آن است که... وعاء وجود مرید از ارادت قدیم چنان پر شود که غیر را در وی گنج نماند [ص ۵ پ]	اول قدم ارادت آن است که... وعاء وجود مرید از ارادت قدیم چنان پر شود که غیر را در وی گنجایی نماند [ص ۵۳۳، س ۱۱]	اول قدم ارادت آن است که... وعاء وجود مرید از ارادت قدیم چنان پر شود که غیر را در وی گنجایی نماند [ص ۱۵، س ۶]
و هر چه دیگران را به سعی و ممارست ظاهر معلوم می شود وی را به حکم إن تتقوا الله يجعل لکم فرقانا از محادثه باطن معلوم و مفهوم می شود [ص ۵۳۳، س ۱۷]	و هر چه دیگران را به سعی و ممارست ظاهر معلوم می شود وی را به حکم إن تتقوا الله يجعل لکم فرقانا از محادثه باطن معلوم و مفهوم می شود [ص ۵۳۳، س ۱۷]	و هر چه دیگران را به سعی و ممارست ظاهر معلوم می شود وی را به حکم إن تتقوا الله يجعل لکم فرقانا از محادثه باطن معلوم و مفهوم می شود [ص ۱۵، س ۱۲]
مرید صادق را سه نشان بود اول خواب وی مثل خواب غرقه شدگان بود و خوردن وی چون خوردن بیماران بود و سخن وی چون سخن مصیبت زدگان بود [ص ۶ ر]	مرید صادق را سه نشان بود اول خواب وی مثل خواب غرقه شدگان بود و خوردن وی چون خوردن بیماران بود و سخن وی چون سخن مصیبت زدگان بود [ص ۵۳۴، س ۲]	مرید صادق را سه نشان بود. اول خواب وی مثل خواب غرقه شدگان بود و خوردن وی مثل خوردن بیماران بود و سخن وی چون سخن مصیبت زدگان بود [ص ۱۵، س ۱۸]

نسخه لیدن	چاپ ریاض	چاپ تقی زاده
توهمچو قطره از دریا جدائی / از آنت هیچ گوهر در شکم نیست [ص ۶ ر]	توهمچون قطره از دریا جدائی / از آنت [در معنی] در شکم نیست [ص ۵۳۴، س ۱۰]	توهمچون قطره از دریا جدایی / از آنت هیچ گوهر در شکم نیست [ص ۱۶، س ۴]
و تا بنده نشوی آزادی نیابی ... و تا از خود نگریزی به خود نرسی و تا خود را فدا نکنی مقبول آن حضرت نشوی و تا همه در نیازی همه نشوی و این معنی جز بتجربید ظاهر و تفرید باطن که از جمیع شواغل دنیوی اعراض کنی دست ندهد [ص ۶ پ]	و تا بنده نشوی آزاد نگردی ... و تا از خود نگریزی به خدا نرسی و تا خود را فدا نکنی مقبول آن حضرت نگردی و تا همه در نیازی همه نگردی و این معنی جز بتجربید ظاهر و تفرید باطن که از جمیع شواغل اعراض است دست ندهد [ص ۵۳۴، س ۱۷]	و تا بنده نشوی آزادی نیابی ... و تا از خود نگریزی به خدا نرسی و تا خود را فدا نکنی مقبول آن حضرت نشوی و تا همه در نیازی همه نگردی و این معنی جز به تجربید ظاهر و تفرید باطن که از جمیع شواغل اعراض کنی، دست ندهد [ص ۱۶، س ۱۱]
بدشواری توانی یافت بوئی / که سلطانی چنین آسان نباشد ارادت بدو مقامات سالکان است [ص ۶ پ]	بدشواری توانی یافت بوئی / که سلطانی چنین آسان باشد ارادت بدو مقام سالکان است [ص ۵۳۵، س ۴]	به دشواری توانی یافت بویی / که سلطانی چنین آسان نباشد ارادت بدو مقام سالکان است [ص ۱۷، س ۷]
توحید سز مدار زمین و آسمان است ... توحید شهباز فضای لامکان است توحید مشعل نیران اشواق طالبان است [ص ۶ پ]	توحید مدار زمین و آسمان است ... توحید شهباز هوای فضای لامکان است توحید مشعل نیران اشواق طالبان است [ص ۵۳۵، س ۹]	توحید سر مدار زمین و آسمان است ... توحید شهباز هوای فضای لامکان است توحید مشعل نیران اشواق طالبان است [ص ۱۷، س ۱۲]
عاشقان دانند در میدان درد / تا فناء عشق با مردان چه کرد ای عزیز بدانکه توحید را ظاهری است و باطنی ... ظاهر آن ذکر لا اله الا الله و اشارت تنزیل ربانی و عبارات لطیفه رسول و برکشیده حضرت سبحانی [ص ۷ ر]	عاشقان دانند در میدان درد / تا فناء عشق با ایشان چه کرد بدانکه توحید را ظاهری است و باطنی ... ظاهر آن ذکر لا اله الا الله و اشارت تنزیل ربانی و عبارات لطیف و برکشیده حضرت سبحانی [ص ۵۳۶، س ۷]	عاشقان دانند در میدان درد / تا فناء عشق با ایشان چه کرد ای عزیز، بدان که توحید را ظاهری است و باطنی ... ظاهر آن ذکر لا اله الا الله و اشارت تنزیل ربانی و عبارات لطیفه رسول و برکشیده حضرت سبحانی [ص ۱۸، س ۱۵]
و هر شخصی را موافق حال او در مطالعه معارف ... مرتبه ای تعیین کرد [ص ۷ پ]	و هر شخصی را موافق حال او در مطالعه معارف ... مرتبه ای تعیین کردند [ص ۵۳۷، س ۵]	[مطابق نسخه لیدن / ص ۱۹، س ۲۰]
ای ترا با هر دلی کاری دگر / در پس هر پرده بازاری دگر هر دمی هر ذره را بنموده ای از جمال خویش رخسار دگر ... دام حسنت دایما گسترده ای / تا بود هر دم گرفتاری دگر [ص ۷ پ]	ای ترا در هر دلی کار دگر / در پس هر پرده بازار دگر هر دمی هر ذره را بنموده باز / از جمال خویش رخسار دگر ... دام حسنت دایما گسترده ای / تا بود هر دم گرفتاری دگر [ص ۵۳۷، س ۱۰]	ای ترا در هر دلی کاری دگر / در پس هر پرده بازاری دگر هر دمی هر ذره را بنموده باز / از جمال خویش رخساری دگر ... دام حسنت دایما گسترده ای / تا بود هر دم گرفتاری دگر [ص ۲۰، س ۵]

نسخه لیدن	چاپ ریاض	چاپ تقی زاده
با رسول حق سخن بجهر گفتن موجب تحبیط اعمال با حضرت صمدیت اولی ادب نگاهداشتن [ص ۳۶ ر]	با رسول حق سخن بلند گفتن موجب تحبیط اعمال است با حضرت حق سبحانه و تعالی اولی ترادب نگاهداشتن [ص ۵۴۰، س ۴]	با رسول حق سخن بلند گفتن موجب تحبیط اعمال است با حضرت حق سبحانه و تعالی اولی ترادب نگاهداشتن [ص ۲۳، س ۷]
عظمت ذات قدیم از هیچ ذره از ذرات کاینات خالی مدانید تا از سعادت درجات اهل حضور محروم نمائید [ص ۳۶ پ]	عظمت ذات قدیم را از هیچ ذره از ذرات کاینات غایب مدانید تا از سعادت درجات اهل حضور محروم نمائید [ص ۵۴۰، س ۱۴]	عظمت ذات قدیم را از هیچ ذره از ذرات کاینات غایب مدانید تا از سعادت درجات اهل حضور محروم نمائید [ص ۲۳، س ۱۶]
کسی در خدمت پادشاهی سخن بلندتر از قاعده می گوید بازخواست می یابد [ص ۳۶ پ]	کسی که در خدمت پادشاه سخن بلندتر از قاعده ادب می گوید بازخواست [می یابد] [ص ۵۴۱، س ۶]	[مطابق نسخه لیدن / ص ۲۴، س ۵]
زبانرا از غیبت و دروغ نگاهدارد تا لایق آن شود که مجری ذکر حق گردد هر زبان [که] بخباثت کذب [و] غیبت ملوث [شد] ^{۲۶} هرگز ذکر حق بر آن زبان جاری نشود الا حروف ذکر علی الغفلة [ص ۳۰ ر]	زبانرا از از دروغ و غیبت نگاهدارد تا لایق آن شود که مجرای ذکر حق گردد که هر زبان که بجنایت کذب و غیبت ملوث شد هرگز حقیقت ذکر به آن زبان جاری نشود الا ذکر حروف علی الغفلة [ص ۵۴۱، س ۱۵]	زبان را از از دروغ و غیبت نگاه دارد تا لایق آن شود که مجری ذکر حق گردد؛ که هر زبان که به خیانت کذب و غیبت ملوث شد، هرگز حقیقت ذکر بر آن جاری نشود الا حروف ذکر علی الغفلة [ص ۲۴، س ۱۴]
... که اساس و قاعده سلوک حقیقی بر این معنی است [ص ۳۰ ر]	... که اساس و قاعده سلوک مبنی بر این معنی است [ص ۵۴۲، س ۷]	... که اساس و قاعده سلوک مبنی بر این معنی است [ص ۲۴، س ۱۹]
... و درین موضع برای تنبیه طالبان در شرایط و آداب خلوت ایمانی کرده آید [ص ۳۰ ر]	... و درین نسخه برای تنبیه طالبان در شرایط و آداب خلوت ایمانی کرده شود [ص ۵۴۲، س ۹]	[مطابق نسخه لیدن / ص ۲۴، س ۲۱]
باب دوم توکل است ... باب سیم توبه است ... [ص ۳۰ ر]	باب دوم توبه است ... باب سیم توکل است ... [ص ۵۴۲، س ۱۳]	باب دویم توکل است ... باب سیم توبه است ... [ص ۲۵، س ۲]
وضو طبقه ظاهر است که مطهر جوارح است از خبایث و اوساخ و ذکر طبقه باطن است که مطهر آینه دل است از کدورت رین و رنگ اغیار [ص ۳۰ پ]	وضو طبقه ظاهر است که مطهر جوارح است از خبایث و اوساخ و ذکر طبقه باطن است که مطهر آینه دل است از کدورات رین و رنگ اغیار [ص ۵۴۲، س ۲۰]	وضو طبقه ظاهر است که مطهر جوارح است از خبایث و اوساخ و ذکر طبقه باطن است که مطهر آینه دل است از کدورت دین و رنگ اغیار [ص ۲۵، س ۹]

نسخه لیدن	چاپ ریاض	چاپ تقی زاده
... و صوم طبقه باطن که حبس دواعی باطن می‌کند از طلب غذا [ص ۳۰ پ]	... و صوم طبقه باطن که حبس دواعی می‌کند از [طلب] غذا [ص ۵۴۳، ۶ س]	... و صوم طبقه باطن که حبس دواعی می‌کند از طلب غذا [ص ۲۵، ۱۳ س]
... جماعتی که رقم حرمان و داغ خسران بر دیده و دل ایشان کشیده بودند از راه حس صورت بشری انبیا و اولیا علیهم السلام می‌دیدند و از مشاهده وجود معنوی محروم بودند می‌گفتند ما هذا الا بشر... [ص ۳۱ ر]	... جماعتی که رقم حرمان و داغ خسران بر دیده دل ایشان کشیده بودند از راه حس صورت بشری انبیا علیهم السلام می‌دیدند و از مشاهده وجود معنوی محروم بودند ما هذا الا بشر... [ص ۵۴۳، ۱۹ س]	... جماعتی که رقم حرمان و داغ خسران بر دیده دل ایشان کشیده بودند، از راه حس، صورت بشری انبیا علیهم السلام می‌دیدند و از مشاهده وجود معنوی محروم بودند و می‌گفتند ما هذا الا بشر... [ص ۲۶، ۵ س]
... منکران بعد از وفات دانند تا حسرت خورند [ص ۳۱ ر]	... منکران بعد از وفات دانند تا حسرت برند [ص ۵۴۴، ۵ س]	... منکران بعد از وفات دانند تا حسرت برند [ص ۲۶، ۱۱ س]
باید که از هر هفته صوم پنجشنبه با دوشنبه و از هر ماهی ایام بیض و شب آدینه نماز تسبیح در وقت تهجد و هر روز سبعی از قرآن باید که بخواند [ص ۳۱ پ]	و باید که از هر هفته صوم پنجشنبه با دوشنبه و از هر ماهی ایام بیض و شب جمعه صلوٰة تسبیح در وقت خفتن و هر روز سبعی از قرآن بخواند [ص ۵۴۴، ۱۶ س]	و باید که از هر هفته صوم پنجشنبه با دوشنبه و از هر ماهی ایام بیض و شب جمعه صلوٰة تسبیح در وقت تهجد و هر روز سبعی از قرآن با تدبیر بخواند [ص ۲۶، ۲۲ پ]

گفتنی است گاه ضبط‌های نامرّجح یا ضعیف یا حتی اشتباه نیز در نسخه لیدن دیده می‌شود که البته موارد آن زیاد نیست، مانند:

نسخه لیدن	چاپ ریاض	چاپ تقی زاده
حقایق اثمار ارواح در حدایق اشجار اشباح انسی به کمال رسانید ^{۲۷} [ص ۲ پ]	حقایق اثمار ارواح قدسی را در حدایق اشجار اشباح انسی به کمال رسانید [ص ۵۲۷، ۱ س]	حقایق اثمار ارواح قدسی را در حدایق اشجار اشباح انسی به کمال رسانید [ص ۹، ۱ س]
ایزد تعالی چون خواست که اظهار قدرت بی‌غایت و آثار ^{۲۸} احضار حکمت بی‌نهایت کند به مقتضای وجود نفوس وجود انسانی که از ظلمت آباد نابود... به صحرای وجود آورد [ص ۲ پ]	ایزد تعالی چون خواست که اظهار قدرت بی‌غایت و احضار حکمت بی‌نهایت کند به مقتضای وجود نفس وجود انسانی را از ظلمت آباد نابود ... به صحرای وجود آورد [ص ۵۲۷، ۸ س]	ایزد تعالی چون خواست که اظهار قدرت بی‌غایت و اظهار حکمت بی‌نهایت کند به مقتضای وجود نفوس وجود انسانی را از ظلمت آباد نابود... به صحرای وجود آورد [ص ۹، ۹ س]

۲۷. آشکار است که در آغاز رساله، همدانی به سجع و ترصیع توجه داشته و به عمد واژه‌های «حقایق»، «اثمار»، «ارواح» و «قدسی» را در برابر «حدایق»، «اشجار»، «اشباح» و «انسی» قرار داده است.

۲۸. ظاهر واژه «آثار» زاید است.

نسخه لیدن	چاپ ریاض	چاپ تقی زاده
و حجب ^{۲۹} عهده عهد قالوا بلی بر ذمه سعدا و اشقیاء ثابت کردند پس همه را خلعت وجود در پوشیدند [ص ۳ ر]	و حجت عهده عهد قالوا بلی بر ذمت سعدا و اشقیاء ثابت کردند پس همه را خلعت وجود پوشیدند [ص ۵۲۸، س ۴]	و حجت عهده عهد قالوا بلی بر ذمت سعدا و اشقیاء ثابت کردند پس همه را خلعت وجود پوشیدند [ص ۱۰، س ۲]
بافسوس و بازی تخیلات ... فریفته شدند ... و جناح طایر روح قدسی را بخیمال مالوفات ... بند کردند و ... سفر این قوم نامبارک افتاد [ص ۳ ر]	بافسوس تخیلات ... فریفته شدند ... و جناح طایر روح قدسی را به حبال مالوفات ... بند کردند و ... سفر این قوم نامبارک افتاده [ص ۵۲۸، س ۱۴]	به افسوس و بازی تخیلات ... فریفته شدند ... و جناح طایر روح قدسی را به جبال مالوفات ... بند کردند و ... سفر این قوم نامبارک افتاد [ص ۱۰، س ۱۱]
طایفه سیم شاهان صفوف ولایت ... بر بساط قرب مولی لوث حدوث دنیا و عقبی را ... از پای همت بینداختند [ص ۳ پ]	طایفه سوم سابقان صفوف ولایت ... بر بساط قربت مولی لوث حدوث دنیا و عقبی را ... از پای همت بینداختند [ص ۵۲۹، س ۵]	طایفه سوم سابقان صفوف ولایت ... بر بساط قربت مولی لوث حدوث دنیا و عقبی را ... از پای همت بینداختند [ص ۱۰، س ۲۴]
رسول علیه السلام دست او بگرفت و طرفی بیرون شد تا بمقامی که کله های هر آدمی افتاده بود و کرباس پاره های دریده و استخوانهای پوسیده حیوانات ... که حرص و هوس و کبر را در وی جای داده بودند و این کرباس پاره های نجس جامه های ایشان است که می پوشیدند [ص ۴ پ]	رسول علیه السلام دست او بگرفت و بطرفی بیرون شد تا مقامی که کله های آدمی افتاده بود و کرباس پاره های دریده نجس و استخوانهای پوسیده حیوانات ... که حرص و حسد و کبر را در وی جا داده بودند و این کرباس پاره های نجس آلوده جامه های ایشان است که می پوشیدند [ص ۵۳۱، س ۵]	رسول علیه السلام دست او را بگرفت و به طرفی بیرون شد تا مقامی که کله های آدمی افتاده بود و کرباس پاره های دریده نجس و استخوانهای پوسیده حیوانات ... که حرص و حسد و کبر را در او جای داده بودند و این کرباس پاره های نجس آلود جامه های ایشان است که می پوشیدند [ص ۱۲، س ۱۷]
نوع انسان به کدام خاصیت مستوجب مسجودی ملایک شده است و چه سیرت در وی تعبیه است که وی از همه موجودات شریف تر آمد [ص ۵ ر]	نوع انسان به کدام خاصیت مستوجب مسجودی ملائکه شد و چه سراسر است که در وی تعبیه است که وی از همه موجودات شریف تر آمد [ص ۵۳۱، س ۲۲]	نوع انسان به کدام خاصیت مستوجب مسجودی ملائکه شد و چه سراسر است که وی از همه موجودات شریف تر آمد [ص ۱۳، س ۱۹]
سکان حظایر قدس از پرتو تابش تجلی آتش عشق بگریختند و قطان اوطان آسمان و زمین از مهابت صدمت صدمه عشق در هم ریختند و از جمله حمل عرش متوقف شدند [ص ۵ ر]	سکان حظایر قدس از پرتو تجلی آتش عشق بگریختند و قطان اوطان آسمان و زمین از مهابت صدمت عشق در هم ریختند و از جمله عرش متوقف شدند [ص ۵۳۲، س ۹]	سکان حظایر قدس از پرتو تجلی آتش عشق بگریختند و قطان اوطان آسمان و زمین از مهابت صدمت عشق در هم ریختند و از جمله حمل عرش متوقف شدند [ص ۱۴، س ۷]

نسخه لیدن	چاپ ریاض	چاپ تقی زاده
نعمت دنیا و نعمت خواره بین / اینست نعمت اینست نعمت خوارهگان [ص ۵ ر]	نعمت دنیا و نعمت خواره بین / اینست نعمت آنست نعمت خوارگان [ص ۵۳۱، س ۱۷]	نعمت دنیا و نعمت خواره بین / اینست نعمت اینست نعمت خوارگان [ص ۱۳، س ۱۴]
اگر یک ذره مهرآید پدیدار / مه رویش ز تو پنهان نباشد [ص ۶ پ]	گرت یک ذره مهرآید پدیدار / مه رویش ز تو پنهان نباشد [ص ۵۳۵، س ۲]	گرت یک ذره مهرآید پدیدار / مه رویش ز تو پنهان نباشد [ص ۱۷، س ۵]
تود را و گم شو که توحید این بود / گم شدن گم کن که تفریر این بود [ص ۷ ر]	تود را و گم شو که توحید این بود / گم شدن گم کن که تفرید این بود [ص ۵۳۵، س ۲۰]	تود را و گم شو که توحید این بود / گم شدن گم کن که تفرید این بود [ص ۱۸، س ۵]
و زبان همه از عبارت کنه حقیقت آن قاصر [ص ۷ پ]	و زبان وصف همه از عبارت کنه حقیقت آن قاصر [ص ۵۳۶، س ۱۵]	و زبان وصف همه از عبارت کنه حقیقت آن قاصر [ص ۱۹، س ۹]
می فرماید که در محشر عظیم که قیامت کبری است جمیع اذکار و اعمال بنده را در دیوان حسنت و میزان آرنده مگر که لا اله الا الله را که از محسوبات و موزونات شمارند زیرا که عرش و فرش و آسمان و زمین در مقابله انوار توحید ندارند [ص ۳۶ ر]	می فرماید که در محشر عظیم که قیامت است جمیع اذکار و اعمال بنده را در دیوان حساب و میزان آرنده مگر لا اله الا الله که از محسوبات و موزونات شمارند زیرا که عرش و فرش و آسمان و زمین طاق مقابله انوار توحید ندارند [ص ۵۳۹، س ۱۲]	می فرماید که در محشر عظیم که قیامت کبری است، جمیع اذکار و اعمال بنده را در دیوان حساب و میزان آرنده مگر لا اله الا الله که از محسوبات و موزونات شمارند، زیرا که عرش و فرش و آسمان و زمین طاق مقابله انوار توحید ندارند [ص ۲۲، س ۱۲]
... و جهد نمودن تا جز حق در وقت ذکر بر زبان نگذرد رسم مقبولان حضرت است [ص ۳۰ ر]	... و جهد نمودن تا جز حق در وقت ذکر بر زبان بر خاطر نگذرد رسم مقبولان حضرت است [ص ۵۴۱، س ۱۱]	... و جهد نمودن تا جز در وقت ذکر زبان بر خاطر نگذرد رسم مقبولان حضرت است [ص ۲۴، س ۱۰]
... و نفی خواطر طبقه باطن که نفس را از غیر دوست منع کند [ص ۳۰ پ]	... و نفی خواطر طبقه باطن که نفس را از خواطر غیر دوست منع می کند [ص ۵۴۳، س ۳]	... و نفی خواطر طبقه باطن که نفس را از خواطر غیر دوست منع می کند [ص ۲۵، س ۱۶]
باب چهارم قسط است و طبقات آن ربط دل است با روحانیت شیخ ... [ص ۳۰ پ]	باب چهارم قسط است و طبقات آن دوام ربط دل است با روحانیت شیخ ... [ص ۵۴۳، س ۸]	باب چهارم قسط است و طبقات آن دوام ربط دل است با روحانیت شیخ ... [ص ۲۵، س ۱۸]
... و چون نقل کرد مرید گورا او بی فایده از آنکه از راه حس صورت بشری او می دیدند و به گوش کلمات او می شنیدند [ص ۳۱ ر]	... و چون نقل کرد همه مرید گورا او شدند بی فایده از آنکه از راه حس جز صورت بشری وی نمی بینند و به گوش کلمات وی می شنوند [ص ۵۴۴، س ۷]	... و چون نقل کرد همه مرید گورا او شدند بی فایده از آنکه از راه حس جز صورت بشری وی نمی بینند و به گوش کلمات وی می شنوند [ص ۲۶، س ۱۳]

نسخه لیدن	چاپ ریاض	چاپ تقی زاده
<p>حظ او از نفس حیات است و حق نفس بر او حضور او با حق اگر حفظ خود شناسد و حق او نگزارد ظلم کرده باشد [ص ۳۱ ر]</p>	<p>حظ او از نفس حیوة است و حق نفس بر او حضور با حق اگر حفظ خود بستاند و حق او بگذارد^{۳۰} ظلم کرده باشد [ص ۵۴۴، س ۱۰]</p>	<p>حظ او از نفس حیات است و حق نفس بر او حضور با حق: اگر حفظ خود بستاند و حق او نگزارد ظلم کرده باشد [ص ۲۶، س ۱۶]</p>
<p>... مگرنیت نذر کرده بود یا قضا و در صبح و شام این دعا که حضرت خضر علیه السلام می خواند [ص ۳۱ پ]</p>	<p>... مگرنیت نذر کرده باشد یا قضا و در صبح و شام دعائی که مرویست از حضرت رسالت علیه السلام می خواند [ص ۵۴۴، س ۲۲]</p>	<p>... مگرنیت نذر کرده باشد یا قضا. و در صبح و شام این دعا که مروی است از حضرت مصطفی علیه السلام، می خواند [ص ۲۷، س ۳]</p>

نتیجه

نسخه لیدن (مورخ ۸۱۱ق) قدیمی ترین دست نویس شناخته شده از رساله ذکریه اثر میرسید علی همدانی است که چون در فهرست نسخه های کتابخانه دانشگاه لیدن اثری ناشناخته و بدون عنوان معرفی شده، تا کنون مورد توجه قرار نگرفته است و در تصحیحات منتشر شده این اثر از آن استفاده نکرده اند. حتی گزارش زنده یاد دانش پژوه نیز که این رساله را در نسخه مورد نظر شناسایی و معرفی کرده است، چون جامع و کامل نبوده، اهمیت این دست نویس را آنچنان که باید و شاید نشان نداده است. در حالی که تاریخ کتابت این نسخه به دوره زندگانی همدانی بسیار نزدیک است و به جز افتادگی بسیار کوتاهی در میانه در حد یک برگ، هیچ نقصان دیگری ندارد. همچنین اغلب ضبط های این دست نویس، چه در سطح واژگانی و چه در سطح نحوی شایان توجه است. بنابراین باید در تصحیح دوباره این اثر یا پژوهش های مرتبط با آن در زمره نسخه های معتبر به شمار آید.

کتابنامه

- انوار، سید عبدالله؛ فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ایران؛ ج ۲، تهران: کتابخانه ملی ایران، ۱۳۶۹.
- انواری، محمود؛ «میرسیدعلی همدانی و تحلیل آثار او»؛ نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، ش ۱۲۳، ص ۲۹۷-۳۶۳، ۱۳۵۶.
- دانش پژوه، محمدتقی؛ «فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشگاه لیدن»؛ نشریه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱۰، ش ۲۷، ص ۲۳۵-۲۷۴، ۱۳۵۸.
- درایتی، مصطفی؛ فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)؛ تهران: سازمان اسناد و کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰.
- ریاض، محمد؛ احوال و آثار و اشعار میرسیدعلی همدانی (با شش رساله از وی)؛ اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۴.
- ساکت، سلمان و ملیحه گزی؛ «معرفی، بررسی و تحلیل نسخه شماره ۶۰۰ از مجموعه وارنر در کتابخانه دانشگاه لیدن»؛ نشریه جستارهای نوین ادبی، ۵۰ (۱)، ص ۱۳۱-۱۵۴، ۱۳۹۷.
- قاسملو، فرید؛ «درباره بعضی نسخه‌های خطی شرقی کتابخانه دانشگاه لیدن، هلند»؛ مزدک‌نامه؛ ج ۵، تهران: پروین استخری، ص ۹-۲۰، ۱۳۹۱.
- مشار، خان بابا؛ فهرست کتاب‌های چاپی فارسی؛ ج ۲، تهران: مهرآیین، ۱۳۵۱.
- منزوی، احمد؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی؛ ج ۲ (۱)، تهران: مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای، ۱۳۴۹.
- _____؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه گنج‌بخش؛ ج ۲، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۵۷.
- _____؛ علی بن شهاب‌الدین؛ رساله ذکریه؛ تصحیح کاظم محمدی و ایقانی؛ کرج: نجم کبری، ۱۳۸۸.
- _____؛ رساله ذکریه؛ تصحیح فریدون تقی‌زاده طوسی؛ تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۰.
- _____؛ رساله ذکریه؛ لیدن، کتابخانه دانشگاه لیدن، شماره ۶۰۰ مجموعه وارنر، تاریخ کتابت ۸۱۱ ق. [نسخه خطی]